سه شنبه 9/5/1403 درس 175 فقه توانمندسازی

مساله : فضل و رحمت دو ویژگی و شرط توانمندساز نسبت به توان پذیران است

***شرح مساله*** : شرائط مستنبطه برای توانمندسازان به مثابه احکامی وضعی است که موضوع برای احکام تکلیفی مانند الزام به تحقق نظام مند این شرائط لازم التحصیل در خارج است و وجوب تحقق مقدمات واجب از سوی توان مندساز و توان پذیر. دو طرف جامع الشرائط توانمندسازی دارای شرائط عامه تکلیف و شرائط خاصه آن که تخصصی هر رشته و توان ویژه آن است مثل عقل ، بلوغ ، اختیار و غیر ذلک و به مثابه متعاقدین برای عقد توان مندسازی عقد التمکین که در آن مکنت اعطاء میشود و پذیرفته میشود مشمول اوفوا بالعقود و سایر قواعد عقود معاملاتی . به هر حال طرفین باید دارای شرائطی باشند که به چند شرط توان بخش اشاره کردیم بازهم اشارت خواهیم داشت با استنباط از ادله شرعیه .

علاوه بر کتاب وسنت عقل هم حاکم به این شرائط لازم التحصیل است چراکه در تحصل آنها منافعی برای سازمان است که نباید دفع شود بلکه باید جذب شوند لذا شرط محصِّل این منافع نیز واجب التحصیل خواهد شد . مثلا شرط توان افزونی توانمندساز که واجد منافع فراوانی است عقل حکم به جذب این منافع متحمله میکند و نیز آن را تحسین میکند و نه تقبیح .

عرف خاص هم این شرائط منفعت ساز و اثر بخش را می پذیرد و رد نمیکند .

اما شرائط دیگری را هم از قرآن و سنت استخراج میکنیم و عقل و عرف و عقلا را به آن ترغیب میکنیم مطلوب ما همچنان شرائط توانمندساز است .

فقه القرآن

* ویژگی دارا بودن فضل کبیر و رحمت وسیع نسبت به توان پذیران

وَ لَئِنْ شِئْنا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ ثُمَّ لا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنا وَكِيلاً (86) إِلاَّ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كانَ عَلَيْكَ كَبِيراً (87)

86- و اگر بخواهيم آنچه را بر تو وحى فرستاديم از تو مى‏گيريم سپس كسى را نمى‏يابى كه از تو دفاع كند.

87- مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد) كه فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است.![[1]](#footnote-1)

اقول: در این دو آیه خداوند مربوب و منصوب خود پیامبر ص را که توان پذیر اوست اولا با وحی که اطلاعات فوق العاده است تمکین میکند تعلیم میدهد وبعد تهدید میکند که اگر بخواهیم همه را پس میگیریم و لی رحمت خدا چنین اجازه ای نمی دهد یعنی رحمت ربوبی از ویژگی توانمندساز و مربی است که سلب توان و سلب وحی نمیکند چون دارای ویژگی رحمت است . و ویژگی وشرط دیگر او فضل کبیر است که به معنای بخشش است .تفضل است یعنی بیش از استحقاق فضل پذیر پیش از سوال او . فضل ورحمت به عنوان دو ویژگی مربی مکنت بخش[[2]](#footnote-2) دو کلمه طیبه و دواسم حسنه هستند که در تفاوت آندو اختلاف زیادی بین علماء دین واقع شده است مربی باید رحیم و ذوفضل باشد آنهم کبیرو عظیم .رحمت رحیمیه و رحمانیه که همان رحمت خاصه و عامه است رحمت مثل بارش است پوشش خاص و عام دارد ولی فضل مثل رویش است یعنی انبات است باران میبارد و روی موجود زنده قرار میگیرد و او را سیراب میکند و لی فضل به معنای رویش ذیل این بارش است که استعداد های درون و مکتوم را حیات و حرکت میدهد بارندگی و بالندگی . [[3]](#footnote-3)دو شرط توانمندسازی است شرط صحت است اگر صحت به معنای ترتب اثر است یعنی شرط اثر بخشی تواناسازی که توانا شدن توان پذیر است مشروط به این شرط است و البته شرط کمال و قبول هم هست با منظر های مختلف .

انشا الله روایا ت را هم بررسی خواهیم نمود :

1. [سوره الإسراء (17): آيات 86 تا 87 [↑](#footnote-ref-1)
2. برخی فقهای معاصر گفته اند :

   الف:رحمتى است براى هدايت و نجات خودت و رحمتى است براى هدايت و نجات جهان بشريت و اين رحمت در واقع دنباله همان رحمت آفرينش است.

   آن خدايى كه به مقتضاى رحمت عام و خاصش، انسانها را آفريد و لباس هستى كه برترين لباس تكامل است در اندامشان پوشانيد، همان خدا براى پيمودن اين راه، به مقتضاى رحمتش، به آنها كمك مى‏كند، رهبرانى آگاه و معصوم، خستگى ناپذير و دلسوز، و مهربان و پر استقامت براى هدايتشان مبعوث مى‏نمايد، همين رحمت است كه ايجاب مى‏كند هرگز روى زمين از حجت الهى خالى نماند.

   ب- وجود زمينه اين فضل در دل تو كه با آب عبادت و تهذيب نفس و جهاد آبيارى شده از يك سو، و نياز مبرم بندگان به چنين رهبرى از سويى ديگر، ايجاب كرده است كه فضل خدا بر تو فوق العاده زياد باشد:

   درهاى علم را به روى تو بگشايد، از اسرار هدايت انسان آگاهت سازد، و از خطاها محفوظت دارد، تا الگو و اسوه‏اى براى همه انسانها تا پايان‏جهان باشى.

   فقیهی دیگر:

   " إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كانَ عَلَيْكَ كَبِيراً".

   كلمه" الا" استثناء از جمله‏اى است كه به خاطر دلالت سياق حذف شده و تقدير كلام چنين بوده: تو به آنچه اختصاص يافتى اختصاص نيافتى و آن موهبتى كه به تو عطا شد كه عبارت از نازل شدن روح و ملازمتش با تو است به تو اختصاص ندادند مگر به عنوان رحمتى از پروردگارت، آن گاه آن رحمت را تعليل نموده و فرموده:" إِنَّ فَضْلَهُ كانَ عَلَيْكَ كَبِيراً- همانا فضل او بر تو بسيار بزرگ است" و معلوم است كه اين جمله در مقام منت نهادن بر رسول خدا (ص) است.

   ا در دید ایشان فضل کبیر را علت بسط رحمت ست

   عالمی دیگر :

   شاگرد برجسته علامه حسن زاده آملی رضوان الله علیه:. رحمت ذکر خاص بعد از عام است. فضل رحمت عامه است، و رحمت خاصه است. فضلی که اینجا مطرح است عظمت و کرامت باری تعالی است. ولی رحمت با توجه به کارهای شما نصیب شما می‌ شود. یکی رحمت دائمی و عامه است و دیگری رحمت مستمر؛ با توجه به خصوصیات رحمت رحیمیه ا

   عالمی دیگر :

   يه‏ى 86، حالت تهديدآميز نسبت به پيامبر دارد كه خداوند، همچنان كه عطا مى‏كند، اگربخواهد بازپس مى‏گيرد. و آيه‏ى 87، لحن تشويق آميزى دارد.

   قرآن، وحى، نبوّت، خاتميّت وشفاعت، همه از تفضّلات الهى نسبت به پيامبر صلى الله عليه و آله بوده واز مقام ربوبيّت خدا سرچشمه مى‏گيرد و خداوند عطاهايش را از او بازپس نمى‏گيرد، هر چند دستش باز، قدرتش استوار و مى‏تواند همه را بازگيرد.

   پيام‏ها:

   1- نعمت‏ها را از خداوند بدانيم و مغرور نشويم، زيرا بقا و زوال نعمت‏ها به اراده‏ى اوست. «لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنا»

   2- هيچ كس در برابر قهر الهى نمى‏تواند نقشى داشته باشد. «ثُمَّ لا تَجِدُ»

   3- نزول كتب آسمانى و وحى، از شئون ربوبيّت خداوند و در مسير تربيت انسان است. بِالَّذِي أَوْحَيْنا ... إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ‏

   4- قرآن، فضل بزرگ الهى است. أَوْحَيْنا ... إِنَّ فَضْلَهُ كانَ عَلَيْكَ كَبِيراً چون خداوند بزرگ و والاست، لطف او نيز بزرگ، و فضل بزرگ او مخصوص پيامبر است.

   ### [**۱ - فضل و رحمت در آیات قرآن**](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86#%D9%81%D8%B6%D9%84%20%D9%88%20%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA%20%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)

   [[ویرایش](https://test.wikifeqh.ir/edit_sub/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86/%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)]

   خدای متعال در مورد فضل و رحمتش نسبت به بندگان در آیات متعددی، مانند آیات زیر می‌فرماید:  
   « **... وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ ما زَکی‌ مِنْکُمْ مِنْ اَحَدٍ اَبَداً...**؛

   [[۱]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot1)

    و اگر فضل و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی‌بود، هیچ‌یک از شما هرگز روی پاکی نمی‌دیدید.» یا «وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّیْطانَ اِلاَّ قَلیلا؛ اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز‌ اندکی، همگان از [شیطان](https://test.wikifeqh.ir/%D8%B4%DB%8C%D8%B7%D8%A7%D9%86" \o "شیطان" \t "_blank) پیروی می‌کردید.»

   [[۲]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot2)

   معنای این آیات این است که اگر فضل خدا در دنیا به سبب انواع نعمت‌ها از جمله توبه، و رحمتش در آخرت به سبب عفو و غفران نبود که برای انسان مقدر کرده، هیچ‌کسی به رستگاری نمی‌رسید. ‌

   [[۳]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot3)

   بی‌گمان فضل و رحمت الهی است که موجب نجات انسان‌ها از آلودگی‌ها و انحرافات و گناهان می‌شود؛ چرا که از یک‌سو [عقل](https://test.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84" \o "عقل" \t "_blank) را به انسان داده، و از سوی دیگر وجود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) و احکامی که از طریق [وحی](https://test.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%AD%DB%8C" \o "وحی" \t "_blank) نازل می‌گردد، علاوه بر این مواهب، توفیقات خاص او و امدادهای غیبی‌اش که شامل حال انسان‌های آماده و مستعد می‌گردد، مهم‌ترین عامل پاکی و [تزکیه](https://test.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B2%DA%A9%DB%8C%D9%87" \o "تزکیه" \t "_blank) است.

   [[۴]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot4)

   بر این اساس، نه تنها عموم مردم، بلکه پیامبران الهی نیز نیازمند این «فضل» و «رحمت» پروردگارند؛ از این‌رو [خداوند](https://test.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "خداوند" \t "_blank) خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نمی‌شد، گروهی از کافران تصمیم داشتند که تو را گمراه کنند...»

   [[۵]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot5)

   **[۲ - انواع رحمت خدا](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%B9%20%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA%20%D8%AE%D8%AF%D8%A7)**

   [

   گفتنی است که خدای متعال دو نوع تفضل و رحمت نسبت به بندگان دارد: رحمت عام و رحمت خاص.  
   رحمت عامش نسبت به جمیع بندگان است، از طریق فرستادن پیامبران، انزال کتب و جعل احکام برای هدایت و ارشاد بندگان. اما رحمت خاصش نسبت به مؤمنان است. هر چه [ایمان](https://test.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86_(%D8%A8%D8%A7%D9%88%D8%B1)" \o "ایمان (باور)" \t "_blank) آنها قوی گردد، هر چه تقوای آنها بیشتر شود، هر چه عبادات آنها خالص‌تر گردد، اسباب بهتر و بالاتر بر آنها فراهم می‌فرماید و میل و رغبت آنها زیادتر می‌شود که معنای توفیق است.

   [[۶]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot6)

   **[۳ - دیدگاه روایات](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87%20%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA)**

   اما در برخی روایاتی که ناظر به [بطون قرآن](https://test.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B7%D9%86_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \o "بطن قرآن" \t "_blank) هستند، فضل و رحمت الهی به صورت‌های مختلفی تفسیر شده که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

   **[۳.۱ - دسته اول](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%D9%88%D9%84" \o "دسته اول)**

   دسته اول روایاتی هستند که در آنها فضل و رحمت الهی را، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) و امام علی (علیه‌السّلام) تفسیر کرده‌اند:  
   [امام صادق (علیه‌السّلام)](https://test.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام صادق (علیه‌السّلام)" \t "_blank) در تفسیر آیه «وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ‌»، فرموده که فضل خدا، محمد (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) و رحمت خدا، علی (علیه‌السّلام) است.

   [[۷]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot7)

   این مضمون، از [ابن عباس](https://test.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3" \o "ابن عباس" \t "_blank) نیز نقل شده است.

   [[۸]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot8)

   علت این‌که در این روایات رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) فضل و امیرالمؤمنین علی (علیه‌السّلام) رحمت خوانده شده، این است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) نعمتی است که خدای تعالی او را به عالمیان ارزانی داشته؛ چون به وسیله آن‌ حضرت پیام‌هایی فرستاده که مواد هدایت عالمیان است، و علی (علیه‌السّلام) اولین فاتح باب ولایت و فعلیت دهنده نعمت [هدایت](https://test.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%AA" \o "هدایت" \t "_blank) است، پس آن‌ جناب رحمت است.

   [[۹]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot9)

   **[۳.۲ - دسته دوم](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%AF%D9%88%D9%85" \o "دسته دوم)**

   بر اساس نقلی در تفسیر «وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ»، گفته شده است، فضل خدا، علی (علیه‌السّلام) و رحمتش فاطمه (سلام‌الله‌علیها) است.

   [[۱۰]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot10)

   **[۳.۳ - دسته سوم](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%B3%D9%88%D9%85" \o "دسته سوم)**

   در روایتی از امام صادق (علیه‌السّلام)، فضل خدا به رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) و رحمتش به ولایت ائمه (علیهم‌السّلام) نیز تعبیر شده است.

   [[۱۱]](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot11)

   قابل توجه است که تمام این تفاسیر باطنی، منافاتی با تفسیر ظاهری از این آیات ندارد که شامل هر فضل و رحمتی می‌شود.

   **[۴ - پانویس](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D9%BE%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%B3)**

   |  |
   | --- |
   |  |

   |  |  |
   | --- | --- |
   | ۱. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main1)[نور/سوره۲۴، آیه۲۱.](http://lib.eshia.ir/17001/1/352/21" \o "نور/سوره24، آیه21." \t "_blank) |
   | ۲. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main2)[نساء/سوره۴، آیه۸۳.](http://lib.eshia.ir/17001/1/91/83" \o "نساء/سوره4، آیه83." \t "_blank) |
   | ۳. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main3)[فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، ج‌۳، ص۴۲۵، تحقیق:حسین اعلمی، تهران، صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.](http://lib.eshia.ir/12012/3/423/%D9%88%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA%D9%87" \o "فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، ج‌3، ص425، تحقیق:حسین اعلمی، تهران، صدر، چاپ دوم، 1415ق." \t "_blank) |
   | ۴. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main4)[مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۴۱۲-۴۱۳، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.](http://lib.eshia.ir/27575/14/412/%D9%81%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%8B" \o "مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج14، ص412-413، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول، 1374ش." \t "_blank) |
   | ۵. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main5)[نساء/سوره۴، آیه۱۱۳.](http://lib.eshia.ir/17001/1/96/113" \o "نساء/سوره4، آیه113." \t "_blank) |
   | ۶. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main6)طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج‌۹، ص۵۰۹-۵۱۰، تهران، اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش. |
   | ۷. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main7)[قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج‌۱، ص۳۱۳، محقق:سید طیب موسوی جزائری، ‌ قم، دار الکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.](http://lib.eshia.ir/12015/1/313/%D9%8A%D8%A7%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF" \o "قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج‌1، ص313، محقق:سید طیب موسوی جزائری، ‌ قم، دار الکتاب، چاپ سوم، 1404ق." \t "_blank) |
   | ۸. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main8)[ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین، مناقب آل ابی طالب، ج‌۳، ص۳۱۵.](http://lib.eshia.ir/16067/3/315/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3" \o "ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین، مناقب آل ابی طالب، ج‌3، ص315." \t "_blank) |
   | ۹. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main9)[طباطبائی، سید محمدحسین‌، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۰، ص۹۶-۹۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی‌، چاپ پنجم‌، ۱۴۱۷ق.](http://lib.eshia.ir/12016/10/96/%D9%88%D8%B0%D9%84%D9%83" \o "طباطبائی، سید محمدحسین‌، المیزان فی تفسیر القرآن، ج10، ص96-97، قم، دفتر انتشارات اسلامی‌، چاپ پنجم‌، 1417ق." \t "_blank) |
   | ۱۰. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main10)[ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین، مناقب آل ابی طالب، ج۲، ص۲۹۴.](http://lib.eshia.ir/16067/2/294/%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D8%A9" \o "ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین، مناقب آل ابی طالب، ج2، ص294." \t "_blank) |
   | ۱۱. | [↑](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "foot-main11)[عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج۱، ص۲۶۰، محقق:سید‌هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.](http://lib.eshia.ir/12013/1/260/207" \o "عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج1، ص260، محقق:سید‌هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة، چاپ اول، 1380ق." \t "_blank) |

   **[۵ - منبع](https://test.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B2_%D9%81%D8%B6%D9%84_%D9%88_%D8%B1%D8%AD%D9%85%D8%AA_%D8%AE%D8%AF%D8%A7_%D8%AF%D8%B1_%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \l "%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B9)**

   [سایت اسلام کوئست، برگرفته از مقاله "منظور از فضل و رحمت خدا در آیات قرآن"، تاریخ بازیابی۱۳۹۹/۱۰/۱۵.](http://www.islamquest.net/fa/archive/fa86738)     [↑](#footnote-ref-2)
3. **\*انواع فضل در قرآن کریم**

   قرآن کریم به چند نوع فضل اشاره دارد:

   نوع اول فضل، ویژگی هایی است که خداوند به یک امت عنایت می کند؛ مانند دوران حضرت موسی (ع) که بنی اسرائیل را به دلیل پیروی از پیامبر خود بر دیگر مردم برتری داد؛ در آیه 47 سوره بقره آمده است: «یا بَنی‏ إِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی‏ أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمینَ/ ای بنی اسرائیل! نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان برتری بخشیدم».

   گاه به یک گروه از انسان ها از نظر جنس ویژگی افزوده می دهد؛ مانند توانایی بدنی و مدیریتی به مردان نسبت به زنان؛ قرآن کریم در آیه 34 سوره نساء فرموده است: «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی‏ بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ وَ اللاَّتی‏ تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَکُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبیلاً إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلِیًّا کَبیراً/ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند ، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است ، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح ، زنانی هستند که متواضعند ، و در غیاب (همسر خود ،) اسرار و حقوق او را ، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده ، حفظ می کنند. و (امّا) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید ، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد ،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل ، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود ،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند ، راهی برای تعدّی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند ، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او ، بالاترین قدرتهاست)».

   گاهی خداوند امکانات فراوان تری به برخی از مردم می دهد که آن هم فضل است؛ اما برخی از این مردم، از این امکانات بهره مثبت می برند و برخی سوء استفاده می کنند؛ در آیه 180 سوره آل عمران می خوانیم: « وَ لا یَحْسَبَنَّ الَّذینَ یَبْخَلُونَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَیُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیامَةِ وَ لِلَّهِ میراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ/ کسانی که بخل می ورزند ، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده ، انفاق نمی کنند ، گمان نکنند این کار به سود آنها است بلکه برای آنها شر است بزودی در روز قیامت ، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند ، همانند طوقی به گردنشان می افکنند. و میراث آسمانها و زمین ، از آن خداست و خداوند ، از آنچه انجام می دهید ، آگاه است».

   نوع چهارم فضل، امدادهای الهی است که گاهی خداوند به افراد مؤمن عنایت می کند؛ در آیه 152 سوره آل عمران آمده است: «وَ لَقَدْ صَدَقَکُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّی إِذا فَشِلْتُمْ وَ تَنازَعْتُمْ فِی الْأَمْرِ وَ عَصَیْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما أَراکُمْ ما تُحِبُّونَ مِنْکُمْ مَنْ یُریدُ الدُّنْیا وَ مِنْکُمْ مَنْ یُریدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَکُمْ عَنْهُمْ لِیَبْتَلِیَکُمْ وَ لَقَدْ عَفا عَنْکُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْمُؤْمِنینَ/ خداوند ، وعده خود را به شما ، (درباره پیروزی بر دشمن در احد ،) تحقق بخشید در آن هنگام (که در آغاز جنگ ،) دشمنان را به فرمان او ، به قتل می رساندید (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید و (بر سر رهاکردن سنگرها ،) در کار خود به نزاع پرداختید و بعد از آن که آنچه را دوست می داشتید ( از غلبه بر دشمن ) به شما نشان داد ، نافرمانی کردید. بعضی از شما ، خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید و خداوند نسبت به مؤمنان ، فضل و بخشش دارد».

   این نوع از فضل و امدادهای الهی در 8 سال جنگ تحمیلی یا در جریان طبس نصیب ما شده است.

   نوع پنجم، امدادهای عام الهی است؛ گاهی خداوند به تمام بشریت امداد کرده و سنت های اجتماعی را به اجرا در می آورد؛ مانند اینکه جنگ هایی از طرف مظلومان بر علیه ظالمان انجام شده و خداوند بدین وسیله مشکل جهان را حل می فرماید؛ در آیه 251 سوره بقره می خوانیم: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ داوُدُ جالُوتَ وَ آتاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ وَ الْحِکْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا یَشاءُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لکِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعالَمینَ/ سپس به فرمان خدا ، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود) ، «جالوت» را کشت و خداوند ، حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند ، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرامی گرفت ، ولی خداوند نسبت به جهانیان ، لطف و احسان دارد».

   نوع ششم، فضلی است که خداوند به برخی از شخصیت ها و اولیاء خود می دهد؛ مثلا درباره پیامبران داریم که همه مورد لطف خدا هستند؛ اما برخی از آنان لطف بیشتری دریافت کرده اند؛ ائمه معصومین نیز از فضل خدا به چنین مقامی رسیده اند

   گاه فضیلت را در برزخ به برخی از انسان های مؤمن عنایت می کند؛ مانند شهدا که در برزخ از تفضل الهی برخوردار می شوند؛ قرآن در آیات 169 و 170 سوره آل عمران فرموده است: « وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی‏ سَبیلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ \* فَرِحینَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ یَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذینَ لَمْ یَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ/ (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند ، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند \* آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [مجاهدان و شهیدان آینده] ، خوشوقتند (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند و می دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت».

   نوع هشتم، توفیقات الهی است که برخی از انسان ها به دلیل شایستگی بهره مند از تفضل خدا در توفیق اعمال خیر پیدا می کنند؛ در آیه 69 سوره نساء آمده است: «وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفیقاً/ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند ، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیقهای خوبی هستند!». [↑](#footnote-ref-3)